

بررسی ارتباط میان سرمایه اجتماعی و توسعه شهری دانش‌بنیان

محمد وصالی آذر شریانی^۱

چکیده

شهر دانش‌بنیان از مفاهیم جدید در حوزه مدیریت شهری است که رویکردی توسعه‌ای دارد و هدف نهایی اش دستیابی به توسعه شهری پایدار و پیشرفت اقتصادی است. به باور بسیاری از کارشناسان، یکی از فاکتورهای مؤثر در موقعیت این شهرها، تقویت سرمایه اجتماعی و گسترش سطح مشارکت فعال شهروندان در توسعه شهر است. سرمایه اجتماعی سبب جابه‌جایی منابع بالقوه سرمایه و کاهش فاصله میان جنبه‌های جامعه‌شناختی و اقتصادی می‌شود. اهمیت این بحث زمانی دوچندان می‌شود که با توجه به سابقه تمدنی کشور ایران، به‌رغم کمبود سرمایه‌های فیزیکی، از سطح انباشت سرمایه اجتماعی درخور توجهی بهره‌مند است. با وجود جامعیت مفهوم سرمایه اجتماعی، در مورد تأثیرگذاری آن در توسعه شهری دانش‌بنیان تحقیقات اندکی شده است که این امر ضرورت پژوهش در این حوزه را بیشتر نمایان می‌کند. پرسش عمده این پژوهش این است که رابطه توسعه شهری دانش‌بنیان با سرمایه اجتماعی چگونه است؟ هدف این پژوهش بررسی و شناخت رابطه سرمایه اجتماعی با ابعاد توسعه شهری دانش‌بنیان است. این پژوهش با گردآوری اطلاعات به روش کتابخانه‌ای (اسنادی) به مرور توصیفی بر ادبیات موضوع و دو نمونه موردی موفق می‌پردازد و اهمیت رابطه مثبت و تأثیرگذار سرمایه اجتماعی با توسعه شهری دانش‌بنیان را بررسی می‌کند. در این مطالعه، رابطه مثبت میان سرمایه اجتماعی و توسعه شهری دانش‌بنیان تأیید می‌شود؛ در نتیجه سرمایه اجتماعی افزون بر اینکه در شاخص‌های اقتصادی، نهادی و فرهنگی توسعه دانش‌بنیان تأثیر می‌گذارد، خود نیز از راه ابزارهای توسعه دانش‌بنیان، مانند آموزش دانش‌محور سرمایه انسانی، گسترش فناوری و ارتباطات، پیدایش بسترها و زیرساخت‌های فرهنگی مناسب و کشف استعدادها و خلاق و جذب آن‌ها از توسعه دانش‌بنیان تأثیر می‌پذیرد و در تعاملی دوسویه و متقابل، سرمایه اجتماعی و توسعه دانش‌بنیان قادرند زمینه لازم برای توسعه شهرها را فراهم کنند.

واژگان کلیدی: سرمایه اجتماعی، توسعه دانش‌بنیان، توسعه شهری، شهر دانش‌بنیان.

مقدمه

هم پیشاند، زنجیره‌های عقیده و نژاد باید از هم گسسته شوند و بی‌شمار افرادی که قادر نیستند با ترقی حرکت کنند، محکوم‌اند از زندگی آسوده چشم‌پوشند و تن به قبول نومیدی دهند» (مصطفی‌پور، ۱۳۹۲، ص ۸).

در دهه ۷۰ این دیدگاه جای خود را به نظریه‌پردازان تئوری وابستگی و نظام جهانی داد. به باور آنان روابط اجتماعی در میان نخبگان سیاسی و حقوقی، سازوکار اصلی استثمار و نظام سرمایه‌دارانه است. در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰، نظریه‌پردازان نئوکلاسیک و متخصصان

توجه به نقش سرمایه اجتماعی^۲ نقطه عطفی در رویکرد نظری به توسعه است. تا دهه ۱۹۹۰ بیشتر نظریه‌های اقتصادی و توسعه، دیدگاه‌هایی کوتاه‌بینانه و حتی متناقض در مورد نقش روابط اجتماعی و سرمایه اجتماعی در توسعه داشتند. در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰، روابط اجتماعی و روش‌های سنتی زندگی همچون مانعی بر سر راه توسعه تلقی می‌شدند؛ چنان‌که در اسناد سازمان ملل در ۱۹۵۱ برای آنکه کار توسعه پیش برود، گفته شده است: «فلسفه‌های قدیمی باید باطل شوند، نهادهای کهنه اجتماعی از

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت امور شهری (مسئول مکاتبات)؛ Mohammad.vesali@ut.ac.ir

شهر و مدیریت آن، به‌وفور مفاهیمی مانند اقتصاد دانش‌بنیان، سیاست‌گذاری دانش‌بنیان، مدیریت دانایی، دارایی‌های دانش‌بنیان و... استفاده می‌شود. گویا در بزنگاه کلان‌شهرهای امروز، کلیدواژه گشایش قفل دشواری‌های مدیریتی، واژگان دانش و پژوهش است. شهر دانش‌بنیان نقش بسیار مهمی در تولید، رشد اقتصادی و توسعه دارد و این شهر یکی از مؤثرترین پارادایم‌های شهرهای پایدار آینده است (همان، ص ۱۱).

پژوهش‌های بسیاری به رابطه میان سرمایه اجتماعی و پیامدهای مثبت آن در حوزه‌ها و سطوح گوناگون اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و رفاهی توجه کرده‌اند. رابرت پاتنام از پیشگامانی است که به رابطه میان توسعه منطقه‌ای و سرمایه اجتماعی توجه کرده است. او در مطالعه خود در مورد مناطق کشور ایتالیا دریافت که سرمایه اجتماعی اختلافات مناطق را از نظر توسعه اقتصادی و عملکرد حکومتی به بهترین نحو توضیح می‌دهد. از نظر پاتنام، سرمایه اجتماعی به معنای ویژگی‌های سازمان اجتماعی، مانند اعتماد، هنجارها و شبکه‌هاست که کارایی جامعه را با تسهیل کنش‌های هماهنگ بهبود می‌بخشد (Putnam, 2000). رضایی و شعبانی به رابطه سرمایه اجتماعی و توسعه شهری پرداخته‌اند و پس از ذکر شاخص‌های متعدد سرمایه اجتماعی، به بررسی نقش، ارتباط و نمود مؤثر و مهم آن در حوزه‌های گوناگون توسعه شهری اشاره کرده‌اند (رضایی و شعبانی، ۱۳۹۳). آزادخان‌نی نیز در مقاله خود رابطه میان سرمایه اجتماعی و توسعه شهری در شهر ایلام را بررسی کرده‌اند و به این نتیجه رسیدند که میان مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی (اعتماد، مشارکت، انسجام و آگاهی اجتماعی) و توسعه شهری در شهر ایلام رابطه معناداری وجود دارد (آزادخان‌نی، ۱۳۹۵). فدوی و نوابخش با بررسی ابعاد سرمایه اجتماعی و نقش آن در توسعه شهری در منطقه پنج تهران دریافتند که سرمایه اجتماعی نواحی، رابطه مثبتی با توسعه نواحی منطقه پنج شهر تهران دارد و منطقه توسعه‌یافته‌تر از اعتماد عمومی، آگاهی، مشارکت رسمی و مشارکت‌های غیررسمی همیارانه بیشتری بهره‌مند است و به‌گونه معناداری مشارکت غیررسمی مذهبی کمتری دارند و اعتماد نهادی و مشارکت‌های غیررسمی خیریه‌ای در همه منطقه یکسان بوده است و تفاوت معناداری نداشته است (فدوی و نوابخش، ۱۳۸۷).

بحث سرمایه اجتماعی جابه‌جایی منابع بالقوه سرمایه را امکان‌پذیر می‌داند و فاصله میان جنبه‌های جامعه‌شناختی و اقتصادی را می‌کاهد. این ویژگی‌ها باعث جلب نظر سیاست‌گذارانی می‌شود که در پی راه‌حل‌های کم‌هزینه و غیراقتصادی برای مسائل اجتماعی‌اند. اهمیت این بحث زمانی دوچندان می‌شود که با توجه به سابقه تمدنی کشور ایران، به‌رغم کمبود سرمایه‌های فیزیکی، از سطح شایان توجه انباشت سرمایه اجتماعی بهره‌مند است؛ بنابراین با شناخت بیشتر از نحوه تأثیر سرمایه اجتماعی در رشد و توسعه دانش‌بنیان و پتانسیل موجود بهره‌برداری می‌توان با سرعت بیشتری به سمت توسعه حرکت کرد.

«انتخاب عمومی» بیشترین تأثیر را داشتند. آنان نیز روابط اجتماعی را غیرمؤثر می‌دانستند و بر گزینه‌های راهبردی عقلانی و تحت الزامات بودجه، زمان و قید و بندهای گوناگون تأکید داشتند. به باور آنان شبکه‌های اجتماعی به این علت موجودیت دارند که هزینه‌های معاملاتی را پایین می‌آورند؛ بنابراین عمده نظریه‌های توسعه، روابط اجتماعی را بسیار استعمارگرایانه، آزادی‌بخش یا نامربوط و بی‌فایده تفسیر می‌کردند. در دهه اخیر مفهوم سرمایه اجتماعی نخستین تلاش برای پاسخ‌گویی به چالش‌های اقتصادی است که تقریباً بسیاری از رشته‌های علوم انسانی در پدیدآوردن ادبیات مربوط به آن سهیم‌اند (همان، ص ۹).

امروزه سرمایه اجتماعی در مدیریت شهری نقشی بسیار مهم‌تر از سرمایه فیزیکی و انسانی ایفا می‌کند و ارزش‌ها، هنجارها، روابط اجتماعی و شبکه‌های روابط جمعی، اعتماد و آگاهی و... عوامل پیوند و انسجام شهروندان و مدیریت شهری‌اند. سرمایه اجتماعی با جلب مشارکت مردمی و افزایش اعتماد، هزینه‌های ارائه خدمات و تبادل‌ها و تعامل‌های مرتبط با مناطق شهری و سازمان‌های مدیریت شهری، نظیر بازسازی بافت‌های فرسوده شهری، حفظ و نگهداری امکانات و تجهیزات شهری، پاکیزگی و زیباسازی محله‌ها، مدیریت پسماند و تفکیک زباله شهری، توسعه فضای سبز، توسعه زیرساخت‌های شهری و به‌طور کلی کنترل و نظارت از راه سلسله‌مراتب مقررات بوروکراتیک را در حد بالایی کاهش می‌دهد؛ بنابراین هرچه سرمایه اجتماعی در نظام مدیریت شهری بالا باشد، هزینه‌های مربوط به تعاملات رسمی کاهش می‌یابد (همان، ص ۱۰).

مجموعه تحولات در شهر و زندگی شهری فقط به پیامدهایی مانند افزایش جمعیت و افزایش زباله و پیامدهای زیست‌محیطی مخرب آن محدود نمی‌شود، بلکه مجموعه این تغییرات با تحولات بنیادینی در نظام مدیریت شهری همراه بوده است. یکی از مهم‌ترین تحولات در دو دهه اخیر، تغییر نظام قدرت در مدیریت شهری و افزایش هرچه بیشتر مشارکت شهروندان در اداره امور شهر است. به عبارتی، مشارکت از شرط‌های لازم تحقق توسعه در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی است که به نقش فعال، خلاق و اثربخش مردم در توسعه توجه دارد (محسنی، ۱۳۷۵، ص ۵۴).

دانش به‌منزله یکی از نیروهای بسیار مؤثر در تحولات اقتصادی و اجتماعی و همچنین به‌منزله کالای اقتصادی به‌شمار می‌آید؛ زیرا بدون کاهش و استهلاک با دیگران به اشتراک گذاشته می‌شود و برخلاف دیگر کالاهای فیزیکی (سرمایه، دارایی‌های مادی و منابع طبیعی) استفاده از آن از کمیتش نمی‌کاهد و می‌توان از آن بارها بهره برد و به‌سبب داشتن چنین ویژگی‌هایی، نزدیکی بسیار زیادی با سرمایه اجتماعی دارد (اشتری و پرهیز، ۱۳۹۴، ص ۱۹). اهمیت دانش‌بنیان‌بودن مدیریت شهر به‌قدری است که در دهه‌های اخیر، مفاهیم، نظریه‌ها و الگوهای فراوانی وارد ادبیات مدیریت شهری شده است. اکنون به موازات سخن از

قرار دارد و به همه آنها متعلق است (وینسترا، ۱۳۸۴، ص ۲۸)؛
 ۲. استفاده نکردن از سرمایه اجتماعی سبب کاهش آن می شود؛
 سرمایه اجتماعی به علت استفاده شدن مستهلک نمی شود، بلکه این مسئله باعث تقویت و افزایش آن می شود (همان، ص ۲۹)؛
 ۳. سرمایه اجتماعی همانند سایر سرمایه ها نیازمند سرمایه گذاری است و در صورت سرمایه گذاری نکردن از بین می رود؛ زیرا سرمایه اجتماعی مانند سرمایه های دیگر اگر به درستی استفاده نشود، مستهلک می شود. تخریب سرمایه اجتماعی بسیار آسان تر از تجدید بنای آن است؛ زیرا چندین نسل طول می کشد تا سرمایه اجتماعی کاملاً ساخته شود؛ بنابراین زمان، هزینه اصلی تقویت و تشکیل سرمایه اجتماعی است (Putnam, 1995: 2).

۱-۲. شهر دانش بنیان

شهر دانش بنیان از مفاهیم جدید در حوزه مدیریت شهری است که با توجه به مسائل و مشکلات روزافزون شهرها و لزوم مدیریت این سیستم بر مبنای دانش مطرح شده است. شهر دانش بنیان رویکردی توسعه ای است که هدف نهایی اش دستیابی به توسعه شهری پایدار و پیشرفت اقتصادی است. هر چند برخی ویژگی های شهر دانش بنیان را نسبت بالای دانشجویان و دانشگاهیان، تنوع جمعیتی بالا، سطح بالای کیفیت زندگی، دسترسی آزاد به اطلاعات و زیرساخت های دانشی می دانند، اما واقعیت آن است که خلاقیت و نوآوری محدود به قشر خاصی نیست و همه افراد جامعه باید نوآور و خلاق باشند؛ بنابراین ویژگی های شهر دانش بنیان عبارت است از فراهم بودن زیرساخت های شهری، فرهنگ تقسیم دانش، توسعه دانش مدار، شبکه های اجتماعی، فناوری اطلاعات و طراحی شهری مطلوب. افزون بر ویژگی های فوق، شهر باید تنوع فرهنگی داشته باشد؛ به گونه ای که فراهم کننده فضاهای مدنی برای فعالیت های جمعی، گروهی و گسترش روابط اجتماعی باشد (اشتری و پرهیز، ۱۳۹۴، ص ۲۹).

مفهوم شهر دانش بنیان بیانگر دیدگاه سیستمی، جامع و خلاق از شهرهاست و در این مورد شهرها در حکم زیستگاه های پویا و با تغییر و تحول پیوسته در نظر گرفته می شوند. این شهرها در پی خلق ارزش در تمامی حوزه های خودند و سبب افزایش در استانداردهای زندگی، پشتیبانی فرهنگی و توسعه اقتصادی می شوند (ملایی و همکاران، ۱۳۹۱).

شهر دانش بنیان شهری است که در آن به منظور توسعه دانایی محور به تشویق خلاقیت مستمر، اشتراک گذاری، ارزیابی، نوسازی و به روزرسانی دانش اقدام کرده اند. این امر از راه تعامل مستمر میان شهروندان و درعین حال میان آنها و شهروندان سایر شهرها تحقق می یابد. فرهنگ به اشتراک گذاری دانش شهروندان، طراحی مناسب شهری، زیرساخت ها و شبکه های فناوری اطلاعات این

با وجود جامعیت مفهوم سرمایه اجتماعی، هنوز در مورد تأثیرگذاری آن در توسعه شهری دانش بنیان تحقیقات اندکی شده است و این امر ضرورت پژوهش در این حوزه را بیشتر نمایان می کند. هدف این پژوهش رسیدن به پاسخ این دو پرسش است:

۱. رابطه توسعه شهری دانش بنیان با سرمایه اجتماعی چگونه است؟
 ۲. تأثیر سرمایه اجتماعی در شاخص های توسعه شهری دانش بنیان چگونه است؟

این پژوهش با هدف بررسی و شناخت رابطه سرمایه اجتماعی با ابعاد توسعه شهری دانش بنیان و با گردآوری اطلاعات به روش کتابخانه ای (اسنادی) به مرور توصیفی بر ادبیات موضوع و دو نمونه موردی موفق می پردازد؛ زیرا رویکرد توسعه شهری دانش بنیان در بسیاری از کشورهای توسعه یافته به منظور دستیابی به پیشرفت اقتصادی، بهبود کیفیت زندگی و سطح معیشت شهروندان و رشد شاخص های توسعه پایدار شهری اهمیت خاصی دارد.

در این پژوهش نخست در بخش دوم، ادبیات تحقیق مرور شده است. به همین منظور، به شرح مفهوم سرمایه اجتماعی و شهر دانش بنیان، توسعه شهری دانش بنیان و ابعاد و شاخص های گوناگون آن پرداخته می شود و سپس در بخش سوم، کارکردهای سرمایه اجتماعی در توسعه دانش بنیان شهری بیان می شود. در ادامه به ارتباط توسعه شهری دانش بنیان با سرمایه اجتماعی از راه ابزارهای توسعه اشاره می شود و نیز دو نمونه موفق شهر دانش بنیان، بارسلونا و ملبورن، بررسی می شوند. در پایان، در بخش چهارم نتیجه گیری می شود.

۱. مروری بر ادبیات تحقیق

۱-۱. سرمایه اجتماعی

سرمایه اجتماعی از تکالیف و تعهدات اجتماعی، پیوندها و ارتباطات پدید آمده است و در برخی شرایط قابلیت تبدیل شدن به سرمایه اقتصادی را دارد و چه بسا به شکل اصالت و اشرافیت درآید (Bourdieu, 1986: 17).

کلمن در ارتباط با سرمایه اجتماعی و تفاوت های آن با انواع سرمایه بر این باور است که سرمایه فیزیکی کاملاً ملموس است و به شکل مادی و مشهود تجسم یافته است، اما سرمایه انسانی کمتر ملموس است و در مهارت ها و دانشی تجسم می یابد که فرد کسب کرده است. سرمایه اجتماعی حتی کمتر ملموس است؛ زیرا در روابط میان افراد تجسم می یابد (Coleman, 1998: 101).

به نظر می رسد سرمایه اجتماعی از جنبه هایی به انواع سرمایه شباهت و از جنبه هایی با انواع سرمایه تفاوت دارد. در زیر به چند مورد از آنها اشاره شده است:

۱. سرمایه اجتماعی دارای شخصی نیست، بلکه میان دو نفر یا بیشتر

۱-۳-۱. توسعه اقتصادی

لازمه توسعه اقتصادی، مدیریت دارایی‌های ناملموس است که برخلاف منابع مادی از راه استفاده مستهلک نمی‌شوند، بلکه هرچه بیشتر استفاده شوند ارزش‌تر می‌شوند. در توسعه شهری دانش‌بنیان فعالیت‌های اقتصادی نیازمند نوسازی مستمر ظرفیت‌های سازمانی و اجتماعی و گسترش محیط مطلوبی برای خلاقیت، نوآوری و یادگیری و تغییر برای شکوفایی است (Lever, 2002).

۱-۳-۲. توسعه اجتماعی - فرهنگی

توسعه اجتماعی - فرهنگی بر افزایش مهارت‌ها و دانش شهروندان به‌منزله ابزاری برای توسعه اجتماع و افراد تأکید دارد. سرمایه انسانی و اجتماعی جامعه به‌شدت به سطح دستاوردهای بالایش در توسعه اجتماعی - فرهنگی وابسته است (اشتری و پرهیز، ۱۳۹۴، ص ۳۹).

۱-۳-۳. توسعه شهری - محیطی

از شالوده‌ها و مبانی توسعه شهری دانش‌بنیان، کیفیت زندگی و مکان، تنوع شهری، قابلیت دسترسی و ارتباط‌پذیری و عدالت اجتماعی است. به عبارتی، باید از اختلاط فرهنگی و تنوع شهری در حکم ابزاری بسیار مهم برای تشویق خلاقیت و افزایش مشارکت و از عدالت اجتماعی به‌منزله یکی از ابعاد اساسی توسعه اقتصادی پایدار برای کاهش تنش‌ها، منازعات و تضادها و اختلاف‌های اجتماعی، مانند بیکاری، که عامل مهمی در طرد افراد متخصص و تحصیل‌کرده است و ریسک سرمایه‌گذاری را افزایش می‌دهد، بهره برد (Yigitcanlar et al., 2007: 12).

۱-۳-۴. توسعه نهادی

توسعه نهادی در سازمان‌دهی توسعه شهر دانش‌بنیان و به‌صحنه‌آوردن تمامی بازیگران و منابع اصلی جامعه سهم اساسی دارد؛ به‌گونه‌ای که می‌تواند فعالیت‌های دانش‌بنیان و ارائه طرح راهبردی برای تشکیل شهر دانش‌بنیان را سازمان‌دهی و تسهیل کند (اشتری و پرهیز، ۱۳۹۴، ص ۳۹).

سیاست‌گذاری مبتنی بر دانش به عنصر بسیار مهمی در اقتصاد و جامعه دانش‌بنیان تبدیل شده است. این نوع سیاست‌گذاری شالوده‌های نهادی را برای خلق و مدیریت و استفاده از دانش سازمانی و نیز شالوده‌های اجتماعی را برای متعادل‌کردن رقابت‌پذیری جهانی، در چهارچوب ارزش‌های فرهنگی و نظم اجتماعی، فراهم می‌کند. مدیریت مبتنی بر دانش دربرگیرنده مجموعه‌ای از راهبردها و رویه‌ها در هر سازمان، به‌منظور شناسایی، خلق، ارائه، توزیع و افزایش پذیرش دیدگاه‌ها و تجربه‌هاست. همچنین بر روی اهداف سازمانی، مانند بهبود

تعاملات را بهبود می‌بخشد؛ بنابراین شهر دانش‌بنیان شهری است که با هدف توسعه دانش به تشویق مستمر فرایندهای مدیریت دانش اقدام می‌کند. این امر از راه همکاری و تعامل مستمر عوامل دانشی محقق می‌شود. اصطلاح عوامل دانشی به هر موجودیتی، از جمله انسان، سازمان، دانشگاه، پارک علم و فناوری و مراکز پژوهشی اشاره دارد که دانش را مدیریت می‌کند (Erzagakis, 2004).

پژوهش و نوآوری به قشر یا سازمان یا مراکز علمی خاصی محدود نمی‌شود، بلکه همه افراد، خلاق و نوآور بوده‌اند و مشارکت، تعامل و پشتیبانی مراکز علمی و پژوهشی، دانشگاه‌ها و سازمان‌های اجرایی در تسهیم دانش و نوآوری در جامعه از ویژگی‌های آن است. در شهر دانش‌بنیان مؤسسه‌های پژوهشی می‌کوشند بهترین پژوهشگران و اعتبارها را جذب کنند؛ درحالی‌که دانشگاه‌ها برای جذب بهترین دانشجویان و استادان با یکدیگر رقابت روزافزون دارند و هریک می‌کوشند دانش موجود را افزایش دهند و از دانش دیگران نیز به بهترین نحو بهره‌برند (اشتری و پرهیز، ۱۳۹۴، ص ۳۶).

۱-۳-۳. توسعه شهری دانش‌بنیان^۱

توسعه شهرهای مبتنی بر دانش نگرشی به توسعه است که هدفش توسعه شهری پایدار و رونق اقتصادی است و به منطبق‌شدن شهرها با اقتصاد دانش‌بنیان کمک می‌کند و فرصت‌هایی را برای خلق دانش، مبادله دانش و نوآوری میان شهروندان فراهم می‌کند. همچنین شرایطی را برای شهرها فراهم می‌کند که به کمک آن‌ها در رقابت جهانی خود را حفظ کنند. به بیان دیگر، توسعه شهر دانش‌بنیان شکل جدیدی از توسعه است که هدفش پیشرفت و رونق اقتصادی، پایداری محیطی و نظم اقتصادی - اجتماعی به شهرهاست (Yigitcanlar, 2009).

توسعه شهری دانش‌بنیان دو هدف عمده دارد:

۱. راهبرد توسعه، اقتصاد و شهر که دانش فنی را برای نوآوری تولیدات و خدمات، دانش بازاری را برای درک تغییرات علایق و انتخاب‌های مصرف‌کنندگان، دانش مالی را برای اندازه‌گیری خروجی‌ها و ورودی‌های تولید و فرایندهای توسعه و دانش انسانی را در شکل خلاقیت و مهارت می‌آراید؛

۲. توسعه شهری دانش‌بنیان شامل افزایش و ارتقای مهارت و دانش شهروندان به‌منزله سرمایه اجتماعی و ابزارهای کلیدی است برای توسعه اجتماعی و فردی. سیاست‌های توسعه شهری دانش‌بنیان شامل توسعه و پذیرش فناوری‌ها، توزیع سرمایه‌های سودمند، توسعه سرمایه اجتماعی و توسعه سیستم‌های سرمایه می‌شود (Gonzalez et al., 2005). در ادامه به ابعاد و شاخص‌های گوناگون توسعه شهری دانش‌بنیان اشاره می‌شود.

سیاست‌گذاری مبتنی بر دانش به عنصر بسیار مهمی در اقتصاد و جامعه دانش‌بنیان تبدیل شده است. این نوع سیاست‌گذاری شالوده‌های نهادی را برای خلق و مدیریت و استفاده از دانش سازمانی و نیز شالوده‌های اجتماعی را برای متعادل کردن رقابت‌پذیری جهانی، در چهارچوب ارزش‌های فرهنگی و نظم اجتماعی، فراهم می‌کند. مدیریت مبتنی بر دانش دربرگیرنده مجموعه‌ای از راهبردها و رویه‌ها در هر سازمان، به‌منظور شناسایی، خلق، ارائه، توزیع و افزایش پذیرش دیدگاه‌ها و تجربه‌هاست. همچنین بر روی اهداف سازمانی، مانند بهبود عملکرد، نوآوری، رقابت‌پذیری و پیشرفت و توسعه پک‌پارچه سازمان متمرکز می‌شود (همان، ص ۲۱).

باید به این امر توجه کرد که در حوزه تصمیم‌گیری، شناخت دقیق مبانی و رویکردهای توسعه دانش‌بنیان چه میزان مهم است. اتخاذ هر رویکردی، خط مشی متفاوتی برای حوزه سیاست‌گذاری کشور به همراه دارد. از طرف دیگر، ناآشنایی با

عملکرد، نوآوری، رقابت‌پذیری و پیشرفت و توسعه پک‌پارچه سازمان متمرکز می‌شود (همان، ص ۲۱).

باید به این امر توجه کرد که در حوزه تصمیم‌گیری، شناخت دقیق مبانی و رویکردهای توسعه دانش‌بنیان چه میزان مهم است. اتخاذ هر رویکردی، خط مشی متفاوتی برای حوزه سیاست‌گذاری کشور به همراه دارد. از طرف دیگر، ناآشنایی با حوزه تصمیم‌گیری نیز ممکن است تبعات ناگواری در پی داشته باشد (سوزنچی، ۱۳۹۰، ص ۲۹).

در جدول شماره ۱ ارکان و شاخص‌های شهر دانش‌بنیان ذکر شده است.

توسعه نهادی در سازمان‌دهی توسعه شهر دانش‌بنیان و به‌صحنه آوردن تمامی بازیگران و منابع اصلی جامعه سهم اساسی دارد؛ به‌گونه‌ای که می‌تواند فعالیت‌های دانش‌بنیان و ارائه طرح راهبردی برای تشکیل شهر دانش‌بنیان را سازمان‌دهی و تسهیل کند (اشتری و پرهیز، ۱۳۹۴، ص ۳۹).

جدول ۱: ارکان و شاخص‌های توسعه شهر دانش‌بنیان (اشتری و پرهیز، ۱۳۹۴)

شاخص‌ها	مجموعه شاخص‌ها	ارکان
۱. تولید ناخالص داخلی؛ ۲. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی؛ ۳. درآمد مصرف خانوار؛ ۴. هزینه‌های توسعه و پژوهش؛ ۵. خدمات متمرکز مبتنی بر دانش نیروهای خلاق.	۱. ساختار اقتصادی؛ ۲. عملکرد اقتصادی مبتنی بر دانش.	توسعه اقتصادی
۱. دستاوردهای آموزشی؛ ۲. تعداد دانشجویان تحصیلات تکمیلی در سنجش با جمعیت؛ ۳. رتبه جهانی دانشگاه‌های اصلی؛ ۴. تنوع فرهنگی نیروی کار؛ ۵. تنوع فرهنگی جامعه (مهاجران داخلی و خارجی)؛ ۶. استقلال اجتماعی - اقتصادی؛ ۷. بیکاری.	۱. سرمایه انسانی و اجتماعی؛ ۲. استقلال و فرهنگ.	توسعه اجتماعی - فرهنگی
۱. رتبه جهانی اکوسیستی؛ ۲. حمل و نقل پایدار؛ ۳. تعداد طرح‌های توسعه شهری پایدار؛ ۴. تعداد راهبردهای متناسب با تغییرات اقلیمی؛ ۵. هزینه زندگی؛ ۶. امنیت شخصی؛ ۷. کیفیت زندگی.	۱. توسعه پایدار؛ ۲. کیفیت مکان و زندگی.	توسعه شهری - محیطی
۱. برنامه‌ریزی راهبردی؛ ۲. مشارکت عمومی - خصوصی؛ ۳. رتبه جهانی در زمینه دولت الکترونیک؛ ۴. تعداد طرح‌های ارتقای جایگاه جهانی شهر؛ ۵. سطح نابرابری درآمدی؛ ۶. میزان مشارکت عمومی در فرایند تصمیم‌سازی.	۱. حاکمیت و برنامه‌ریزی؛ ۲. رهبری و اجماع.	توسعه نهادی

نیز مشارکتشان در تشکیل گروه‌ها و انجمن‌های شهروندی بستگی دارد. بر این اساس، دو گروه کشورهای کم‌اعتماد و پراستعداد از هم تمیز داده می‌شوند. در کشورهای پراستعداد، سطح بالای اعتماد موجب حذف یا کاهش هزینه‌های مربوط به چانه‌زنی و مراقبت از اجرای مفاد قراردادهای اقتصادی می‌شود؛ در حالی که در کشورهای کم‌اعتماد، این‌گونه نظارت‌ها باید با وضع قوانین گسترده، مفصل کردن قراردادهای، مراقبت گسترده و در نهایت ایجاد نوعی بوروکراسی پیچیده، برای نظارت بر اجرای درست قوانین، اعمال شود و این به معنی تحمیل هزینه‌های سنگین به اقتصاد کشورهاست. در نهایت سطح بالاتر اعتماد در جوامع موجب پیدایش اقتصادی کارا تر می‌شود (Putnam, 2000: 6).

قراردادهای مالی بسیار به اعتماد متکی‌اند؛ اعتماد به اینکه طرف مقابل براساس متن قرارداد عمل می‌کند و به تعهدات و وظایفش پایبند می‌ماند یا خیر. اعتماد از این انتظار ناشی می‌شود که با اجرای قوانین هرگونه انحرافی تنبیه می‌شود، اما اجرای قانون در برخی موارد غیر مؤثر است و معمولاً گران تمام می‌شود. قانون در مقابل بسیاری از کلاهبرداری‌های حرفه‌ای موفق نیست و اگر طرف معامله پولی از دست بدهد، قانون در بهترین حالت فقط او را به زندان می‌اندازد، اما سرمایه‌زدست‌رفته جبران نمی‌شود. ضمن اینکه ذات قراردادهای ناقص است و غیرممکن به نظر می‌رسد که حتی در بهترین نظام‌های قضایی، سرمایه‌گذاری‌ها کاملاً ضمانت شوند. از آنجاکه اجرای قوانین، در همه موارد، کاملاً مؤثر نیست، سرمایه اجتماعی در بالا بردن میزان اعتماد نقش اساسی دارد؛ بنابراین اهرمی غیر از قانون معرفی می‌شود که در صورت ناکارا و گران بودن اجرای قانون از این مکمل خوب استفاده شود (مصطفی‌پور، ۱۳۹۲، ص ۴۱).

سرمایه اجتماعی با تأثیر در نابرابری و توزیع درآمد، بر عملکرد اقتصادی اثر می‌گذارد. نابرابری درآمد باعث بی‌ثباتی سیاسی، کاهش نرخ سرمایه‌گذاری و نیز کاهش رشد اقتصادی می‌شود. از سوی دیگر، افزایش سرمایه اجتماعی با افزایش اعتماد و هم‌بستگی اجتماعی سبب کاهش فساد و نابرابری و توزیع درآمد می‌شود و از این راه در عملکرد اقتصادی تأثیر می‌گذارد (امیری، ۱۳۸۵، ص ۵۷). این تأثیرها عبارت‌اند از:

۱. سرمایه اجتماعی سهم مهمی در اداره بنگاه‌ها دارند. داشتن حسن شهرت و اعتبار در درون بنگاه و همچنین میان افراد خارج از بنگاه، یکی از عوامل مهم نظم‌دادن و اداره امور بنگاه‌هاست؛

۲. سرمایه اجتماعی، به‌ویژه میزان امنیت جامعه، برخی فعالیت‌های تجاری را سودآور و برخی را غیرسودآور می‌کند؛ به‌گونه‌ای که برخی فعالیت‌ها براساس میزان سرمایه اجتماعی داخل آن از بقیه جدا می‌شوند و آن را سرمایه اجتماعی محور می‌نامند. برای مثال می‌توان هتل کپسولی ژاپن را نام برد که در

حوزه تصمیم‌گیری نیز ممکن است تبعات ناگواری در پی داشته باشد (سوزنچی، ۱۳۹۰، ص ۲۹).

در جدول ۱ ارکان و شاخص‌های شهر دانش بنیان ذکر شده است.

۲. بحث‌ها و یافته‌ها

۲-۱. کارکردهای سرمایه اجتماعی در توسعه دانش بنیان شهری

سرمایه اجتماعی، به‌منزله یکی از مؤلفه‌های اجتماعی مؤثر در مشارکت، واجد پیامدها و آثار متعددی در ابعاد گوناگون توسعه دانش بنیان، یعنی اقتصادی، نهادی و فرهنگی است. در واقع همین آثار مثبت‌اند که زمینه توجه روزافزون به این مفهوم و عوامل مؤثر در آن را فراهم کرده‌اند. در ادامه به برخی از مهم‌ترین تأثیرهای سرمایه اجتماعی در حوزه‌های یادشده می‌پردازیم:

۲-۱-۱. تأثیر سرمایه اجتماعی در توسعه اقتصادی

از مهم‌ترین کارکردهای اقتصادی سرمایه اجتماعی این است که هزینه‌های معاملاتی مربوط به هماهنگی‌های رسمی، مانند قراردادهای سلسله‌مراتب، مقررات دیوان‌سالارانه و امثال آن‌ها را کاهش می‌دهد؛ البته ممکن است بتوان کنش‌های گروهی از مردم را، که صاحب هیچ‌گونه سرمایه اجتماعی نیستند، هماهنگ کرد، اما این وضعیت در بردارنده هزینه‌های معاملاتی گزافی همچون نظارت، مذاکره، اقامه دعوی حقوقی و تنفیذ توافقی‌های رسمی خواهد بود (Fukuyama, 2000: 17).

در محیط‌هایی که سطح فناوری بالا نیست، افزایش کارایی مشاهده می‌شود. این به سبب وجود شبکه‌های مشارکت مدنی است که هنجارهای مستحکم ارتباطات متقابل را تقویت می‌کنند. وظیفه اصلی این شبکه‌ها، تسهیل همکاری و ارتباطات و تقویت اطلاعات موجود درباره اعتمادپذیری افراد دیگر است (ibid: 8).

سرمایه اجتماعی به اشخاص کمک می‌کند هزینه تشخیص احتمالات گوناگون و بررسی شرایط آن‌ها را مقرون به صرفه کنند. جامعه‌ای که از سرمایه اجتماعی، اعتماد و اطمینان بهره می‌برد، می‌تواند از راه تضمین عملکرد و اجرای قراردادهای، هزینه‌های مربوط به سیستم قانونی را نیز کاهش دهد. سرمایه اجتماعی با پارامترهای دیگری به غیر از رشد و سطح سرانه تولید ناخالص داخلی و نیز توسعه انسانی و توسعه پایدار مرتبط است. همچنین عوامل دیگری مانند پیشرفت فنی و تجربه تاریخی را می‌توان به آن افزود (امیری، ۱۳۸۵، ص ۴۸).

با بررسی رویکرد سنتی تقسیم جهان مبتنی بر درجه رشد صنعتی و میزان مشارکت دولت در امور اقتصادی، براساس میزان سرمایه اجتماعی هر کشور، طبقه‌بندی متفاوتی ارائه شد. در این طبقه‌بندی، تفاوت درجه صنعتی شدن کشورهای گوناگون بیش از هر چیز به سرمایه اجتماعی، یعنی سطح اعتماد میان افراد جامعه و

است و لازم است این عامل مهم و زیربنایی در حوزه اقتصاد هرچه بیشتر شناخته شود و هرچه بهتر از آن بهره‌برداری شود.

۲-۱-۲. تأثیر سرمایه اجتماعی در توسعه نهادی

سرمایه اجتماعی خوب، کارآیی دولت‌ها را افزایش می‌دهد. اگر مردم مایل باشند کارهای خود را به شکل همکاری مردمی و بدون دخالت دولت‌ها انجام دهند، فعالیت‌های دولت تسهیل می‌یابد و همچنین از بار مالی تحمیل شده بر دولت کاسته می‌شود (مصطفی‌پور، ۱۳۹۲، ص ۴۲).

سرمایه اجتماعی در مدیریت و خدمات عمومی نقش بسزایی ایفا می‌کند. این امور یا به شکل کنترل سنتی جامعه یا از راه تشکیلات مدرن غیردولتی اداره می‌شوند. حالت دوم در سنجش با مدیریت صددرصد عمومی یا سیستم کاملاً خصوصی کارایی (بسته به ماهیت خدمات مدنظر) هزینه بالاتری دارد و در مواجهه با چالش‌های یکسان، در سنجش با دو سیستم یادشده انعطاف‌پذیرتر است (امیری، ۱۳۸۵، ص ۵۳).

سرمایه اجتماعی به کمک دولت‌ها و بازارها کار می‌کند، نه به جای آن‌ها. سیاست عاقلانه فراهم‌کردن سرمایه اجتماعی را تشویق می‌کند و سرمایه اجتماعی نیز تأثیرگذاری اقدامات دولت را افزایش می‌دهد. ارائه خدمات به عموم مردم در مناطق پراستعداد و با تفکر مدنی بیشتر، در سنجش با مناطق کم‌اعتماد، خیلی بهتر اتفاق می‌افتد. افزون بر این، ارتباط شهروندان با دولت‌ها در مناطق کم‌اعتماد بیشتر حول مسائل شخصی است، درحالی‌که تماس‌ها و ارتباطات برقرارشده در مناطق پراستعداد درباره مسائل کلان و وسیع‌تری است که در رفاه عمومی منطقه تأثیر می‌گذارد (Putnam, 2000: 10).

اعتماد عمومی به مثابه یکی از مهم‌ترین مباحث تأمل‌برانگیز در تأمین سرمایه اجتماعی و توسعه روابط اخلاقی حکومت، کارکنان بوروکراسی و جامعه مطرح می‌شود. اعتماد عمومی موجب کاهش بسیاری از مشکلات مدیریتی می‌شود و بسیاری از دل‌مشغولی‌ها را از حکمرانان دور می‌کند (پورعزت، ۱۳۹۵، ص ۲۳۳).

گریز در مطالعه خود به سرمایه اجتماعی دولت پرداخته است که بیانگر آزادی شهروندان، آزادی سیاسی، تعدد انتخابات، ریسک سیاسی و... است. او در این مطالعه دریافته است که بی‌اعتمادی میان دولت و مردم، موجب کاهش معناداری در رشد اقتصادی شده است (امیری، ۱۳۸۵، ص ۵۳).

سرمایه اجتماعی ابزاری برای رسیدن به توسعه سیاسی است. در این مورد، نوع رابطه‌ای که میان مردم و دولتمردان برقرار است در شکل‌گیری مفهوم شهروندی و همچنین جامعه مدنی سهمی اساسی دارد. در جامعه مدنی نهادهای قانون‌مند در مقام واسط میان دولت و مردم در تعدیل روابط میان آن‌ها نقش دارد و این موضوع، محصول سرمایه اجتماعی است. سرمایه اجتماعی

آن مسافران در مکان‌های ویژه‌ای اقامت می‌کنند که هیچ‌گونه قفل ایمنی ندارند یا فروشگاه‌های تسهیلات‌دهنده شبانه، که چنانچه برای امنیتشان هزینه بیشتری صرف شود، فعالیت کل مجموعه ضرردهنده خواهد شد (همان‌جا).

سرمایه اجتماعی برای صنعت گردشگری بسیار حائز اهمیت است. مهمان‌نوازی ساکنان هر منطقه بر جذابیت آن منطقه می‌افزاید و تأثیری مستقیم بر جهانگردان دارد. رسوم و فرهنگ محلی و منحصر به فرد بودن ویژگی‌های منطقه نیز از عوامل دیگر جذابیت است؛

۳. سرمایه اجتماعی ارزش زمین را افزایش می‌دهد. سرمایه اجتماعی هر منطقه در ارزش آن منطقه تأثیر می‌گذارد؛ زیرا وقتی اهالی منطقه سرمایه اجتماعی، مانند تمایل به مراقبت و حمایت از یکدیگر، را سرلوحه کارشان قرار بدهند، هر تازه‌واردی برای اینکه بتواند در این محل اقامت کند، مجبور است این منش اجتماعی را بپذیرد؛

۴. سرمایه اجتماعی با درآمد بالاتر برای منطقه خودکفایی اقتصادی را به ارمغان می‌آورد؛ برای مثال از ویژگی‌های پول داخلی، قوی‌ترکردن نیروهای اقتصادی مرکز‌محور برای مسئولان داخلی و نیز ارضای احساس تعلق به وطن برای مردم عادی جامعه است (متوسلی و بی‌نیاز، ۱۳۸۱، ص ۵۹).

از سرمایه اجتماعی به منزله زیربنای توسعه اقتصادی هر جامعه یاد می‌شود. اهمیت سرمایه اجتماعی در توسعه اقتصادی جوامع تاحدی است که می‌توان آن را در شکوفایی اقتصاد تمامی جوامع توسعه‌یافته آشکارا مشاهده کرد. سرمایه اجتماعی را در اقتصاد هر کشور می‌توان در اعتمادپذیری و روحیه همکاری میان نیروهای انسانی برای رسیدن به اهداف اقتصادی جامعه تعریف کرد. سرمایه اجتماعی ضمن شکل‌دهی به مجموعه قواعد و قوانین اخلاقی و رفتاری هر جامعه، به رفتار افراد نیز شکل می‌دهد و کمک می‌کند سرمایه انسانی و سرمایه مادی و اقتصادی با هم و در تعامل با یکدیگر به رشد و پویایی دست یابند. برای این منظور می‌توان از واژه‌هایی مانند اعتماد، امانت‌داری، نیکوکاری، خیربودن، صداقت و توجه به ارزش‌های مذهبی در کسب‌وکار، در حکم سرمایه‌های اجتماعی در حوزه اقتصاد، یاد کرد. اعتماد اگر در رفتارها و قواعد و مبادلات اقتصادی و هنجارهای آن حاکم شود، به شکوفایی و پیشرفت اقتصاد کمک می‌کند؛ زیرا عاملی به نام اعتماد موجب شکل‌گیری گروه‌هایی می‌شود که با اطمینان به یکدیگر در حوزه اقتصاد جامعه فعالیت می‌کنند.

متأسفانه با وجود تمامی موفقیت‌ها، مبحث سرمایه اجتماعی جایگاه شایسته خود را در حوزه اقتصاد پیدا نکرده است و هنوز شاخص فراگیری که میزان سرمایه اجتماعی و تحولات آن را اداره کند در دسترس نیست. سرمایه اجتماعی متغیری چندوجهی

نیز افراد را به سمتی هدایت کند که مسئولیت‌های اجتماعی خود را در تمامی مسائل جمعی بپذیرند. برای پیدایش و نهادینه‌شدن سرمایه اجتماعی قدرتمند و تأثیرگذار، آحاد مردم و سازمان‌ها و نهادهای دولتی جامعه باید با یکدیگر هم‌افزایی داشته باشند. ارزش‌های اجتماعی، که تجلی آنان در جامعه با مشارکت آحاد جامعه و مسئولیت‌پذیری اجتماعی شکل می‌گیرد، همان ثروتی است که اتکا بر آن متضمن توسعه و پیشرفت هر ملتی در ابعاد مادی و معنوی می‌شود.

مبحث سرمایه‌های اجتماعی چنان گسترده است که شناخت، معرفی و بیان تأثیر و تأثر آن در ثبات توسعه و پیشرفت جامعه، نیازمند مطالعات دقیق‌تر و بررسی‌های بیشتر است. این مبحث اگرچه به‌تازگی به دایره‌ی واژگانی پژوهشگران اجتماعی و صاحب‌نظران مسائل توسعه راه یافته است، اما همین مفهوم اجتماعی دربرگیرنده معانی و مفاهیمی است که اگر به آن توجه شود، توسعه و ثبات هر جامعه را تضمین می‌کند.

شناخت سرمایه‌های اجتماعی در بخش‌های گوناگون و نحوه بهره‌برداری از آن‌ها وظیفه‌ای است که باید مسئولان و مدیران جامعه با تلاشی بیشتر به آن بپردازند و دلایل متروک‌ماندن بعضی از سرمایه‌های اجتماعی را بیابند و در گسترش، حفظ و توسعه آن بکوشند؛ چراکه سرمایه اجتماعی زیربنای توسعه فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی هر جامعه است و همچنین منبع شکل‌گیری اساسی گروه‌های اجتماعی به‌شمار می‌رود، گروه‌هایی که توسعه هر جامعه به آنان وابسته است.

۲-۲. ارتباط توسعه شهری دانش‌بنیان با سرمایه اجتماعی

شهر دانش‌بنیان بر سهیم خلاقیت، دانش و فناوری در رشد و توسعه شهری تأکید دارد. بر این اساس، شهرهای دانش‌بنیان برای دستیابی به این مهم نخست نیازمند ابزارهایی هستند که به یاری آن‌ها انگیزش و سرمایه‌های اجتماعی تقویت می‌شوند. این ابزارها عبارت‌اند از:

۲-۱. سرمایه انسانی

مؤسسه‌های آموزشی به کشف استعدادها ناشناخته در شهرهای دانش‌بنیان کمک می‌کنند. در این میان، دانشگاه‌ها درحکم موتورهای نوآوری محسوب می‌شوند که استعدادها را پرورش می‌دهند و روابط و پیوستگی میان شهروندان را در شهرهای دانش‌بنیان بارور می‌کنند. امکانات و تسهیلات علمی - پژوهشی و مؤسسه‌های آموزشی به‌منزله بخش مهم بانک دانش شناخته می‌شوند؛ در صورتی که سهم مؤثری را در تساهل و تسامح، از راه بیان دیدگاه‌های گوناگون و تشتت آراء، به عهده بگیرند. ارزیابی کمیّت، پایه مهارتی و مدارک دانشگاهی، سرمایه دانش و فهم حرکت‌های مهاجرتی نخبگان موجب دستیابی به شاخصی برای رشد و توسعه شهرهای دانش‌بنیان می‌شود. بر

همچنین ضمن تعدیل روابط، به انسجام و هم‌بستگی و حس اطمینان در جامعه کمک می‌کند و موجب مشارکت سیاسی نیروهای انسانی و حفظ روابط متقابل آن‌ها با دولت می‌شود.

مهم‌ترین سرمایه اجتماعی در عرصه سیاسی، مشارکت مردم در صحنه‌های گوناگون سیاسی است. این سرمایه اجتماعی (یعنی حمایت مردم از دولت در صحنه‌های گوناگون) یکی از مصادیق بارز موفقیت در توسعه سیاسی هر کشور است.

۲-۱-۳. تأثیر سرمایه اجتماعی در توسعه فرهنگی

سرمایه اجتماعی زیربنای توسعه فرهنگی هر جامعه به‌شمار می‌رود؛ بنابراین برای توسعه فرهنگی هر جامعه باید سرمایه‌های اجتماعی این بخش شناسایی و بهره‌برداری شود. هرچه سرمایه‌های اجتماعی در بخش‌های فرهنگی جامعه تقویت شود، توسعه فرهنگی نیز سرعت بیشتری پیدا می‌کند و از این رهگذر، رفتار افراد جامعه و نحوه تعاملات آن‌ها پیش‌بینی پذیرتر می‌شود؛ چراکه افراد در چارچوب قواعد خاص فرهنگی رفتار می‌کنند و این رفتار حساب‌شده منجر به گسترش اعتماد در جامعه می‌شود و با افزایش قابلیت اعتماد در بخش‌های گوناگون فرهنگی جامعه مناسبات اجتماعی و فرهنگی هم روان‌تر و کم‌هزینه‌تر می‌شود (مصطفی‌پور، ۱۳۹۲، ص ۴۳).

روشنفکران، دانشمندان، پژوهشگران، مدیران، نویسندگان و عموم تولیدکنندگان علم در هر جامعه‌ای از سرمایه‌های مهم اجتماعی در حوزه فرهنگ به‌شمار می‌روند که باید شناسایی و حمایت شوند تا آن‌ها نیز به شکوفایی کشور کمک کنند. اگر به سرمایه‌های اجتماعی در بخش مهم فرهنگی توجه کافی نشود، این سرمایه‌ها روندی رو به نزول را طی می‌کنند و با سقوط این سرمایه‌ها ارزش‌های اخلاقی و حتی دینی هم تنزل می‌یابند. بخش فرهنگی هر جامعه از مهم‌ترین بخش‌های مولد آن به‌شمار می‌رود؛ بنابراین به سرمایه‌های اجتماعی این بخش نیز باید توجه کافی شود (امیری، ۱۳۸۵، ص ۵۶).

از دیگر سرمایه‌های اجتماعی مهم در بخش فرهنگی، جوانان مستعدند که با وجود شکل‌گیری شخصیتشان در فرهنگ حاکم بر جامعه، به توسعه اقتصادی و سیاسی و اجتماعی جامعه کمک می‌کنند؛ بنابراین نحوه اجتماعی‌شدن این سرمایه‌های اجتماعی در فرهنگ حاکم جامعه از مسائل مهمی است که باید مدنظر قرار گیرد تا بتوان از خلاقیت و ابتکارهای آنان در بخش فرهنگ، اقتصاد و سیاست استفاده کرد (متوسلی و بی‌نیاز، ۱۳۸۱، ص ۷۳).

در ارتقای فرهنگ عمومی افراد باید در جامعه به رویدادهای فرهنگی، که در حال رخ‌دادن است، توجه داشته باشند و آن را بهبود بخشند یا در مواردی آن را اصلاح کنند و در مرحله فزاینده در این روندها مشارکت کنند؛ در واقع مسئولیت اجتماعی خود را درقبال فرهنگ عمومی پذیرفته باشند و همچنین فرهنگ عمومی جامعه

از خدمات عمومی و خصوصی می‌شود و امکان تشکیل گروه‌ها و اجتماعات فراوان و همچنین رأی‌گیری بهنگام و توزیع عادلانه امکانات را فراهم می‌آورد. گسترش زمینه استفاده از نظر شهروندان در مدیریت شهر، از جمله آثار اجتماعی اجرای پروژه شهر مجازی خواهد بود. در زمینه‌های فرهنگی نیز اجرای شهر الکترونیک تأثیر فراوانی را در پی دارد که برای مثال از شفاف‌سازی، اطلاع‌رسانی، آموزش مجازی شهروندان در حوزه‌های تخصصی و عمومی، امکان انتشار رسانه‌های دیجیتال برای شهروندان، انتشار اخبار و اطلاعات روزآمد و آثار فرهنگی بسیار دیگری می‌توان نام برد. در زمینه اجتماعی و سیاسی معرفی شهر در جهان و امکان بیشتر ارتباطات بین‌المللی و بالابردن وجهه سیاسی شهر و شهروندان برخی از مزایای شهر الکترونیک است (جلالی، ۱۳۸۳، ص ۵۴). تعداد تشکلهای سازمان‌ها و انجمن‌های مردم‌نهاد به‌منزله یکی از شاخص‌های سرمایه اجتماعی مطرح است که فناوری اطلاعات و ارتباطات در شکل‌گیری آن‌ها مؤثر است. از سوی دیگر، سایت‌ها و اجتماعات مجازی، که در راستا و تداوم اجتماعات واقعی شکل می‌گیرند یا در حیطه مسائل تخصصی عمل می‌کنند، منبع عمده سرمایه اجتماعی به‌شمار می‌آیند. باین‌حال، برای استفاده از فناوری اطلاعات، با هدف افزایش سطح بهره‌مندی جوامع از سرمایه اجتماعی، شیوه‌های گوناگونی مطرح شده است. خلق سرمایه اجتماعی با شیوه‌های مشارکتی و آموزش اجتماعی از جمله این راه‌های پیشنهادی است؛ هرچند با در نظر گرفتن تفاوت‌های میان جوامع گوناگون، به‌کارگیری شیوه‌ای معین امکان‌پذیر نیست.

۲-۲-۳. زیرساخت‌های فرهنگی

توسعه فرهنگی با سطح توسعه اقتصادی و کیفیت فرهنگ ملی و عمومی هر کشور ارتباط تنگاتنگی دارد. بر همین اساس، برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای توجه بسیاری به طراحی سیاست‌های توسعه، به‌منظور جذب سرمایه‌های جهانی و تشویق رشد اقتصادی، در شهر دانش‌بنیان دارد. این سیاست‌ها عمدتاً بر روی خلق سطوح بالایی از تسهیلات اجتماعی و توسعه اجتماعات و توجه به خلاقیت و فرهنگ، در مقام فراهم‌کنندگان زیرساخت‌ها و فعالیت‌های اجتماعی-اقتصادی پویا، متمرکز می‌شوند. ارزش‌های مرتبط با عناصر فرهنگی شهر موجب شکوفایی نوآوری، خلاقیت و ابتکارات ارزشمند می‌شود. در شهرهای دانش‌بنیان مجموعه‌ای از تسهیلات و امکانات فرهنگی، علمی و پژوهشی به‌منظور جذب نخبگان دیده می‌شود. به سخن دیگر، نخبگان یا همان طبقه خلاق به شهرهایی که سرزندگی، تنوع و غنای فرهنگی دارند جذب می‌شوند و هسته اصلی موفقیت این شهرها را تشکیل می‌دهند. پس به عبارتی توسعه دانش‌بنیان شهری نیازمند تقویت پایه تمامی جنبه‌های فرهنگی است (Florida, 2004).

همین اساس، توسعه راهبردهایی که تسهیل‌بخش سرمایه‌گذاری در تولیدکنندگان سرمایه انسانی و طبقه خلاق (یعنی دانشگاه‌ها) در جامعه است، فاکتور مهمی در تغییر شهرها و حرکت به سمت سرمایه اجتماعی دانش‌بنیان است (اشتری و پرهیز، ۱۳۹۴، ص ۴۵). گفتنی است که سرمایه انسانی به علت دربرگیری مجموعه توانایی‌های تخصصی و مهارت انسانی، که برای تولید دانش و فناوری نیاز است، به‌منزله عنصر محوری تمامی تحولات در توسعه دانش‌بنیان است. سرمایه انسانی در مرتب‌کردن عوامل تولید فناوری، در فرایند تولید دانش و همچنین در توسعه آن‌ها تأثیر مستقیم و غیرمستقیم دارد (همان، ص ۵۷).

با توجه به بحث‌های فوق نتیجه‌گیری می‌شود که داشتن منابع غنی سرمایه‌های انسانی و مادی برای رسیدن به رشد و توسعه لازم است اما کافی نیست. آنچه افزون بر این‌ها ضروری است وجود سرمایه اجتماعی است که تعامل میان عوامل و نیروهای انسانی را تسهیل می‌کند. به عبارت دیگر، اگر سرمایه اجتماعی به میزان کافی در هر جامعه وجود نداشته باشد، این نیروهای انسانی ماهر نمی‌توانند با یکدیگر تعامل و همکاری کارآمدی داشته باشند؛ از این‌رو شاید علت تفاوت بازده عملکردی بالای نیروهای انسانی با مشارکت گروهی بالا در مقایسه با نیروی انسانی صرفاً خلاق همین موضوع باشد.

۲-۲-۲. فناوری و ارتباطات

فناوری، علم و نوآوری بالاترین قسمت توسعه دانش‌بنیان به‌شمار می‌آید. سطح بالای اطلاعات تضمین‌کننده این امر است که شهروندان دسترسی عدالت‌گونه‌ای به آموزش، تعلیم و تربیت و خدمت‌رسانی دارند و این موضوع سبب تقویت سرمایه اجتماعی می‌شود (همان، ص ۵۱).

برای درک صحیح تأثیر فناوری نخست بهتر است به تعریف شهر مجازی بپردازیم؛ شهر مجازی عبارت است از امکان دسترسی الکترونیکی شهروندان به همه اداره‌ها، امکان درون‌شهری و دستیابی به اطلاعات گوناگون شبانه‌روزی، هفت روز هفته، به شیوه‌ای باثبات، مطمئن، امن و محرمانه. به بیان دیگر، شهر مجازی شهری است که در آن بر روی فرصت‌های خلق شده به کمک فناوری اطلاعات و ارتباطات، برای افزایش موفقیت و اثرگذاری، سرمایه‌گذاری شده است. ساخت شهر مجازی تأثیر بسیاری در زمینه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی برای شهر در پی خواهد داشت. در زمینه اقتصادی توسعه تجارت الکترونیکی، بانکداری الکترونیکی، گسترش استفاده از کارت‌های اعتباری، کاهش کاغذبازی (بوروکراسی اداری)، کاهش هزینه ارائه خدمات و گسترش زمینه برای سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی و ارتباط تجاری شهر با کشورهای همسایه و سایر نقاط جهان بخشی از تأثیر آن خواهد بود. ارائه خدمات بهنگام به شهروندان موجب افزایش رضایت‌مندی آن‌ها از استفاده

و پارک‌های عمومی سهم مهمی در جذب نخبگان دارند (Bontje and Sako, 2009: 188)؛ بنابراین مردم نخبه و خلاق شهری را برای زندگی ترجیح می‌دهند که تنوع و فضای تسامح‌گرا داشته باشد. در مجموع، عناصر تشکیل‌دهنده نظریه شهر خلاق شامل فناوری، چند فرهنگ‌گرایی، تسامح و تساهل، وجود محیط فرهنگی تکنوگرا، محیط‌های اجتماعی باز از نظر فرهنگی و افزایش فرصت‌های تعاملات اجتماعی است (Vanol, 2008: 37).

با وجود جنبه‌های کیفی سرمایه اجتماعی، مانند اعتماد، ارزش‌ها و اهداف مشترک، همکاری و مشارکت و انتظارات در میان افراد و گروه‌های گوناگون جامعه، لایه‌های غیرضروری بوروکراسی، که سرکوب‌کننده نوآوری و خلاقیت در میان نخبگان جامعه است، برداشته می‌شود و همچنین زمان و منابعی که صرف کنترل و نظارت در هزینه‌ها و فرایندها می‌شود، صرف خلق ایده‌های جدید و فعالیت‌های نوآورانه می‌شود.

۲-۳. نمونه‌های موردی

۲-۳-۱. شهر بارسلونا

بارسلونا پایتخت ایالت کاتالونیا یک میلیون و ۶۰۰ هزار نفر جمعیت دارد و به ترتیب، ۶۴/۴ و ۱۰/۱ درصد جمعیت ایالت کاتالونیا و اسپانیا را در خود جای داده است. این شهر با تغییر دادن تصویرش از آنچه مربوط به شهری صنعتی و تجاری می‌شود به مادرشهر مدیترانه‌ای و بین‌المللی به شکل شایان توجهی در دو دهه گذشته بازسازی شده است. طرح‌های فراوانی برای تبدیل شدن این شهر به شهری دانش‌بنیان و خلاق اجرا شده است. ممیزه‌های اصلی شهر خلاق، شامل فناوری، استعداد و مدارا در این شهر وضعیت مطلوبی دارند. بارسلونا در فناوری و نوآوری، به ویژه فناوری اطلاعات، پیشرفت زیادی داشته است که در بسته سیاست‌های شهر دانش‌بنیان بارسلونا نمود یافته است. این بسته در حوزه‌های گوناگون، از جمله اطلاعات، زیرساخت، سرمایه انسانی و خدمات هوشمند طراحی شده است که در هریک از این حوزه‌ها برای بهره‌مندی از سرمایه اجتماعی اهداف و راهکارهایی را مشخص کرده‌اند؛ مثلاً در حوزه اطلاعات، اهدافی نظیر افزایش شفافیت مدیریت شهری و تشویق و ترغیب استفاده اجتماعی و همگانی شهروندان از داده‌های عمومی در نظر گرفته شده است. در حوزه زیرساخت، اهدافی نظیر فراهم کردن دسترسی شهروندان به شبکه اطلاعات و خدمات شهری مشخص شده است؛ در حوزه خدمات هوشمند، راهکارهایی در نظر گرفته شده است، از جمله مرکز مجازی بارسلونا امکان دسترسی مردمی برای آگاهی به شیوه‌های مدیریتی شهر را فراهم کرده است و در نهایت در حوزه نیروی انسانی در پی جذب استعدادها و تقویت

با توجه به اینکه وظیفه مدیریت شهری خدمت‌رسانی به شهروندان است، یکی از راه‌های اداره خوب شهر، توسعه زیرساخت‌های فرهنگی است. کار بر روی توسعه فرهنگی با خلق زیرساخت‌های فرهنگی آغاز می‌شود. این زیرساخت‌های فرهنگی باید براساس فرهنگ عمومی ساخته شوند. در این میان باید باورهای جمعی را نیز در ساخت آن‌ها لحاظ کرد؛ بنابراین با توجه به رویکرد اجتماعی و فرهنگی در مدیریت شهری در عرصه جهانی هیچ توسعه و رشد کالبدی در شهر پذیرفته نیست، مگر اینکه درباره ابعاد و آثار فرهنگی و اجتماعی آن فکر شود.

همچنین توسعه فضاهای فرهنگی زمینه‌ساز گسترش صنعت گردشگری و سرمایه‌گذاری در این عرصه است. توسعه فضاهای فرهنگی با کیفیت و جاذبه‌های گردشگری، ضمن گسترش گردشگری شهری، به افزایش گردشگری خارجی در شهرها کمک می‌کند. گردشگری شهری امروزه یکی از فعالیت‌های مؤثر اقتصادی و اجتماعی است که موجب درآمدزایی و فرهنگ‌سازی می‌شود.

فضاهای فرهنگی رفتار افراد جامعه را به رفتار خوب و پسندیده هدایت می‌کند. بنابر عقیده بسیاری از کارشناسان، برای تغییر یا ارتقای سرمایه‌های فرهنگی جامعه باید فضاهای فرهنگی را غنی‌تر و افراد جامعه را به استفاده بیشتر از آن‌ها ترغیب کرد. فضاهای فرهنگی شهرها بهترین و آسان‌ترین راه برای کاهش و از میان بردن بسیاری از ناهنجاری‌های رفتاری و نابرابری‌ها اجتماعی است.

۲-۲-۴. طبقه خلاق

طبقه خلاق شامل گروهی از اندیشمندان، متفکران، طراحان و مهندسان و دانشمندان، کارآفرینان و اصحاب رسانه است که در یک موضوع مشترک‌اند؛ آن‌ها درآمد خود را از راه تفکر، طراحی و تولید خلاق به دست می‌آورند. افزون بر این، هم‌بستگی مثبتی میان طبقه خلاق مستقر در شهرها و رشد اقتصاد محلی دیده می‌شود. یافته‌ها نشان می‌دهند که رشد شهرها به دانش طبقات خلاق وابسته است؛ به طوری که آن‌ها می‌توانند ایده‌ها و کسب‌وکارهای جدیدی خلق کنند (مالایی و همکاران، ۱۳۹۱).

ریچارد فلوریدا نظریه شهر خلاق را براساس سه متغیر عمده پایه‌گذاری کرده است که عبارت‌اند از: تکنولوژی، استعداد، تساهل و تسامح. تکنولوژی با فراهم کردن فرصت‌هایی برای کسب دانش بیشتر سهم مهمی در رشد اقتصادی دارد. استعداد دربرگیرنده آن دسته افرادی است که واقعاً اندیشه‌های ابداع‌گراانه و نوآورانه دارند. تسامح و تساهل شامل فرهنگی باز و متنوع بر مبنای قومیت، نژاد و جهت‌گیری جنسی است. تنوع فرهنگی و جمعیتی بیانگر اجتماعی باز و تسامح‌گراست. تسهیلات فرهنگی، مجتمع‌های ورزشی حرفه‌ای، پایداری محیط و دسترسی به فعالیت‌های فراغتی مانند مسیرهای دوچرخه‌سواری

به‌درستی اجرا شود، شرایط مناسبی برای شهرها به‌منظور پیشگامی در عرصه‌های رقابت جهانی فراهم می‌کند. این شرایط شامل مواردی همچون زیرساخت‌های دانشی، زیرساخت‌های فناورانه، ارتباط با اقتصاد جهانی و مرتبط‌شدن با افراد تحصیل‌کرده، خلاق و با استعداد است. دربارهٔ دو شهر مذکور آشکار است که مناطق شهری تمامی تمرکز خود را برای توسعه بر روی مسائل اقتصادی صرف نکرده‌اند؛ بلکه به جامعه، محیط طبیعی و پیرامونی و مؤسسات دانشی نیز توجه داشته‌اند.

شهرهای بارسلونا و ملبورن به علت استواری بر پایهٔ دانش و بهره‌مندی از شهروندان دانشی، به‌خوبی در مدار توسعهٔ پایدار به حرکت و رشد پرشتاب خود ادامه می‌دهند و در پیشبرد اهداف اقتصادی، سیاسی و اجتماعی چشم‌انداز خود نقشی اساسی دارند. از این‌رو، به‌منظور حرکت به‌سوی توسعهٔ دانش‌بنیان، برای ایجاد فعالیت‌های دانشی در شهرها، خط‌مشی‌های مناسبی به‌کار گرفته شده است تا بستر لازم برای توسعهٔ دانش‌بنیان فراهم شود. توسعهٔ شهری دانش‌بنیان این امکان را برای ملبورن و بارسلونا مهیا می‌کند تا با گسترش شرایط مناسب اجتماعی، اقتصادی، فضایی و محیطی برای فعالان دانشی، سهم عمده و مهمی از تولید دانش را برعهدهٔ آن‌ها قرار دهند.

به‌نظر می‌رسد تغییر گرایش شهرهای ملبورن و بارسلونا براساس اسناد چشم‌انداز و طرح‌های راهبردی، از تولید بر پایهٔ منابع طبیعی و فیزیکی به سمت ارائهٔ خدمات دانش‌بنیان بوده است که این امر حاکی از روندی مشخص در طرح‌های شهری است. درحقیقت، ماهیت رقابتی توسعهٔ دانش‌بنیان در بعد جهانی، همهٔ شهرها را به سمت سرمایه‌گذاری بر روی جنبه‌های دانشی‌شان سوق می‌دهد. ابزار نوآوری شهری سیستمی است که عامل تحریک، تولید، پرورش و تسریع نوآوری‌ها در کشورهاست. این سیستم پیچیده است و دربردارندهٔ افراد، روابط، ارزش‌ها، فرایندها، ابزارها و زیرساخت‌های فناورانه، فیزیکی و مالی است (Lever, 2002).

با توجه به شکل کلی این دو شهر درمی‌یابیم که بسیاری از ساختارهای شهری در آن‌ها به‌منزلهٔ ابزارهای نوآوری استفاده می‌شوند. با وجود آنکه دانشگاه‌ها، کتابخانه‌ها یا مجتمع‌های صنعتی نقش ابزارهای خوب نوآوری را ایفا نمی‌کنند، همیشه ترکیب واحدی از عوامل پیچیده و ناملموس دیده می‌شود که ساختارهای شهری معمولی را به ابزارهای نوآوری تبدیل کند. این مجموعه شامل تمرکز راهبردی، دید صحیح برای به‌کارگیری آن درحکم ابزار نوآوری، رهبری استثنایی، نیاز ضروری و تیمی ویژه است.

لورده نوع ابزار نوآوری را برای شهرهای دانش‌بنیان بیان می‌کند. این موارد عبارت‌اند از: رستوران‌ها، رویدادهای بزرگ، کتابخانه‌ها، موزه‌ها، پارک‌های علم و مجموعه‌های صنعتی،

شرکت‌های دانش‌بنیان است (مشکینی و همکاران، ۱۳۹۳). در مجموع بارسلونا در مقام چهارمین شهر ثروتمند اروپا و بیست‌وهشتمین شهر ثروتمند جهان، یکی از زیباترین و خلاق‌ترین شهرهای جهان به‌شمار می‌رود و شهری فرهنگی و آزاد و یکی از عمده مراکز تجاری جهان است. این شهر باعث گسترش جذب طبقهٔ خلاق بوده است. برخی از این مهاجران ثروتمند به علت امکانات رفاهی فراوان، آب‌وهوای معتدل، رستوران‌های مدرن، مراکز خرید لوکس و شکوه عظمت معماری‌اش این شهر را برای سکونت برگزیده‌اند. برخی دیگر از مهاجران به‌سبب تخصص‌های ویژه و مهارت‌های سطح بالا و عده‌ای نیز به علت اشتغال در بخش‌های خدماتی و صنعتی وارد این شهر شده‌اند. بارسلونا جایگاهش را در مقام مرکز صنعتی و حمل‌ونقل حفظ کرده است و گذار به اقتصاد دانش‌بنیان را در دستور کارش قرار داده است (مشکینی و همکاران، ۱۳۹۳).

۲-۳-۲. ملبورن

ملبورن یکی از شهرهای دانش‌بنیان کشور استرالیا است که جمعیتی حدود ۷۲ هزار نفر را در خود جای داده است. از سال ۱۹۹۹، سیاست‌گذاری‌ها و راهبردهای کلان ملبورن درصدد ساخت جامعهٔ دانش‌بنیان به‌منظور شکوفایی صنایع و تجارت شهر در زمینهٔ فناوری اطلاعات و تجهیز اجتماعات به فناوری‌های ارتباطی، ارتقای زیرساخت‌ها و افزایش دسترسی و ارتقای سیاست‌های جدید شهری بود. مهم‌ترین اولویت شهر ملبورن برای توسعهٔ دانش‌بنیان، سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های فرهنگی، نوآورانه و سرمایهٔ انسانی است؛ برای مثال در بخش سرمایهٔ انسانی این شهر هشت دانشگاه بزرگ و نهاد آموزشی دارد که حدود ۵ درصد جمعیت کل شهر را، که عمدتاً نیروهای خارجی مستعد جذب‌شده در این مراکزند، تشکیل داده است. همچنین رتبهٔ جهانی این شهر در جذب نخبگان و طبقهٔ خلاق هفتم است. در زمینهٔ فناوری اطلاعات نیز به شکل گسترده به آموزش شهروندان پرداخته است تا بتواند از این پتانسیل بالقوه نهایت بهره را ببرد. به همین منظور، ملبورن به ۵۰ هزار نفر در امر آموزش و دسترسی به اینترنت خدمات ارائه داده است و نیز تمامی مدارس شهر را به اینترنت مجهز کرده است و شش مرکز عمده در این شهر برای آموزش اینترنت برای تجارت فعال دایر کرده است (Yigitcanlar et al., 2008: 7).

۲-۳-۳. تحلیل

توسعهٔ شهری دانش‌بنیان رویکردی مبتنی بر توسعه است که هدفش دستیابی به توسعهٔ شهری پایدار و پیشرفت اقتصادی است تا از این راه شهرهایی سازگار با اقتصاد دانش‌بنیان و شهروندانی با توانایی‌های خلاق، تغییر و نوآوری در دانش پرورش یابند. دستیابی به توسعهٔ شهری مبتنی بر دانش، طرحی بلندپروازانه است که اگر

دروازه‌ها، دورنمای آینده، دانشگاه‌ها، فروشگاه‌های بزرگ و زیرساخت‌های دیجیتال (ibid). در اینجا به کاربرد برخی از این ابزارها در شهرهای ملبورن و بارسلونا اشاره می‌شود:

(۱) **رستوران‌ها:** نخستین ابزار نوآوری داشتن رستوران‌های خوب است؛ زیرا دانش‌ها و ایده‌ها اغلب در جریان گفت‌وگوها خلق می‌شوند. رستوران‌ها محیط‌هایی برای مکالمات طولانی و عمیق‌اند که به شکوفایی و تبادل ایده‌های ناب و پیشرفت‌های غیرمنتظره در زمینه‌های گوناگون، از جمله هنر، روان‌شناسی و سیاست منجر می‌شوند. با توجه به گردشگری پذیرنده شهر بارسلونا و وجود زیرساخت‌های حمل‌ونقلی مناسب در این شهر، این رستوران‌ها کانون‌های جذب گردشگران‌اند؛

(۲) **رویدادهای بزرگ:** نمایشگاه بین‌المللی بارسلونا در سال ۲۰۰۴ مثال خوبی از رویدادهای بزرگ است که از آن به‌منزله ابزار نوآوری نام برده می‌شود؛

(۳) **دورنمای آینده:** یکی از معیارهای پیشنهادی برای شهرهای دانش‌بنیان، دورنمای آینده است و ابزارهایی در اختیار شهروندان قرار می‌دهد که گرایش‌ها، فرصت‌ها و رفتارهای بلندمدت خود را تعیین کنند؛

(۴) **دانشگاه‌ها:** ملبورن با هشت دانشگاه بزرگ و نهاد آموزشی مثال مناسبی است که نشان می‌دهد این شهر در جذب نخبگان و طبقه خلاق بسیار موفق عمل کرده است. دانشگاه‌های محلی در همه نقشه‌های راهبردی و دیدگاه‌های شهر دانش‌بنیان نقش ابزاری و کلیدی دارند؛

(۵) **پارک‌های علم و مجموعه‌های صنعتی متمرکز بر دانش:** سیاست‌گذاران شهری به‌خوبی اهمیت پارک‌های علم و مجموعه‌های صنعتی متمرکز بر دانایی را در حکم ابزارهای نوآوری شهری، منطقه‌ای و ملی دریافته‌اند. بیشتر نقشه‌های راهبردی شهرهای دانش‌بنیان در شهرهای بارسلونا و ملبورن بر سهم این مجموعه‌ها تأکید اساسی دارند؛

(۶) **زیرساخت‌های دیجیتال:** افزایش سرانه دسترسی به رایانه و اینترنت، دایرکردن مراکز فناوری اطلاعات، تجهیز تمامی مدارس شهر ملبورن به اینترنت، تأسیس شش مرکز عمده در این شهر برای آموزش اینترنت با هدف تجارت فعال و تأسیس شبکه اطلاعات و خدمات شهری در حوزه خدمات هوشمند و مرکز مجازی بارسلونا نمونه‌ای از زیرساخت‌های دیجیتالی برای شهر دانش‌بنیان است.

نتیجه‌گیری

چندین عامل در ساخت شهر دانش‌بنیان مؤثرند؛ از جمله فرهنگ مشترک دانایی، طراحی مناسب شهری، شبکه‌های مناسب فناوری،

راهکارهای پیشنهادی، که با بهره‌گیری از سرمایه اجتماعی به‌منظور پیشبرد اهداف توسعه شهری دانش‌بنیان از آن‌ها سود برده می‌شود، عبارت است از:

۱. توسعه سیاسی و اجتماعی شهر دانش بنیان نیازمند حمایت منطقی و آگاهانه و قاطعانه سطوح بالای مدیریتی کشور است؛ به همین منظور، تمامی مسئولان در سطح ملی و محلی باید برای تحقق توسعه شهری دانش بنیان بکوشند؛
۲. اتخاذ دیدگاه‌ها و نگرش‌های راهبردی و طرح‌های توسعه‌ای که مبتنی بر جهت‌گیری به سمت پیشرفت آموزشی و پژوهشی، افزایش کیفیت زندگی شهروندان و توسعه خدمات اجتماعی باشد؛
۳. تشکیل نهادها و مؤسسات دانش بنیان مشتمل بر شرکت‌ها، بنگاه‌های فناوری، مراکز تحقیقاتی و پارک‌های علم و فناوری؛
۴. اجرای قوانین و تدبیر سازوکارهایی برای کنترل بر اجرای مقررات و قوانین وضع شده که منفعت شهروندان از توسعه دانش بنیان در آن لحاظ شده باشد؛
۵. جلب هماهنگی و مشارکت بخش‌های خصوصی و عمومی با دانشگاه و مراکز پژوهشی با هدف تأمین نیروی انسانی برای توسعه شهری دانش بنیان؛
۶. اقدامات لازم، مانند تقویت انگیزش‌های مشارکت‌جویانه در شهروندان، آموزش‌های حقوق و تکالیف شهروندی با هدف توسعه دانش بنیان به شهروندان، تعیین و ارزیابی عوامل مؤثر در اعتماد عمومی شهروندان و بررسی میزان مشارکت‌های رسمی و غیررسمی آن‌ها؛
۷. بررسی و پایش میزان منافع اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی حاصل از سرمایه اجتماعی در توسعه شهری دانش بنیان؛
۸. بررسی وضعیت آگاهی شهروندان درباره مسائل عمومی حاصل از توسعه دانش بنیان و خلق سازوکار دریافت مستمر بازخوردهای آنان؛
۹. نهادینه‌سازی ارزش‌ها و اهداف به‌جای استفاده از رویه‌ها و خط‌مشی‌های رسمی. با توجه به اینکه بعد شناختی (اهداف و ارزش‌های مشترک و زبان مشترک) سرمایه اجتماعی نقش آفرینی معناداری با گرایش به نوآوری در شهرهای دانش بنیان دارد، پیشنهاد می‌شود مدیران و مسئولان شهری به‌جای استفاده از رویه‌ها و خط‌مشی‌های دست‌وپاگیر، به نهادینه‌کردن ارزش‌ها در اجتماع بپردازند؛ زیرا این کار موجب می‌شود نخبگان به راحتی با یکدیگر ارتباط برقرار کنند و اطلاعات، مهارت‌ها و تخصص‌هایشان را با یکدیگر به اشتراک بگذارند.

منابع

- آزادخانی، پاکزاد (۱۳۹۵). «بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و توسعه شهری (مطالعه موردی: شهر ایلام)». دومین کنفرانس بین‌المللی یافته‌های نوین پژوهشی در علوم، مهندسی و فناوری.

اشتری، حسن و پرهیز، فرهاد (۱۳۹۴). شهر دانش محور. تهران: تیسرا. امیری، میثم و رحمانی، تیمور (۱۳۸۵). «بررسی آثار سرمایه اجتماعی درون‌گروهی و برون‌گروهی بر رشد اقتصادی استان‌های ایران». دوفصلنامه جستارهای اقتصادی، ۳(۶)، ۱۱۳-۱۵۶.

پورعزت، علی اصغر (۱۳۹۵). مبانی مدیریت دولتی. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی (سمت).

جلالی، علی اکبر و عباسی محمد علی (۱۳۸۲). «فناوری ارتباطات و اطلاعات در آموزش و پرورش سایر کشورهای دنیا». سومین همایش برنامه درسی در عصر فناوری اطلاعات، تهران: انجمن برنامه درسی ایران در:

https://www.civilica.com/Paper-CAICT03-CAICT03_002.html

رضایی، رامین و شعبانی، سجاد (۱۳۹۳). «رابطه سرمایه اجتماعی و توسعه شهری». اولین کنفرانس ملی شهرسازی، مدیریت شهری و توسعه پایدار.

سوزنجی کاشانی، ابراهیم (۱۳۹۰). «اقتصاد دانش محور: رویکردها، مبانی و دلالت‌ها». فصلنامه سیاست‌نامه علم و فناوری، ۱(۱)، ۱۹-۳۲.

متوسلی، محمود و بی‌نیاز، علی (۱۳۸۱). «رویکردی به ارزیابی سرمایه اجتماعی در اقتصاد ایران». مجله برنامه و بودجه، ش ۷۵.

محسنی، منوچهر (۱۳۷۵). بررسی آگاهی‌ها، رفتارهای اجتماعی و فرهنگی در ایران. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

مشکینی، ابوالفضل و همکاران (۱۳۹۳). شهر خلاق الگوی مدیریت شهری در حوزه دانش بنیان. تهران: آراد.

مصطفی‌پور، کامبیز (۱۳۹۲). سرمایه اجتماعی؛ سرمایه بی‌پایان شهر. تهران: تیسرا.

ملایی، مصطفی و همکاران (۱۳۹۱). «ارائه مدلی تعاملی در جامعه دانایی‌محور درخصوص شکل‌گیری کسب‌وکارهای دانش بنیان در افق ۱۴۰۴». کنفرانس ملی کارآفرینی و مدیریت کسب‌وکارهای دانش بنیان.

نوابخش، مهرداد و فدوی، جمیله (۱۳۸۷). «بررسی ابعاد سرمایه اجتماعی و نقش آن در توسعه شهری (مطالعه موردی: منطقه ۵ شهر تهران)». پژوهشنامه علوم اجتماعی، ۲(۱)، ۲۵-۴۷.

ونیس‌ترا، گری (۱۳۸۴). سرمایه اجتماعی، تندرستی و نابرابری. گردآورنده کیان تاجبخش، ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان. تهران: شیرازه.

Bontje, J., Sako, M. (2009). "Creative Industries, Creative class and competitiveness: expert opinions critically appraised". *Geoforum*, 40, 843-852.

Bourdieu, P. (1986). "The forms of capital" in *handbook of theory and research for the sociology of education*. New York: Greenwood.

Coleman, J. (1998). "Social Capital in the Creation of Human Capital". *American Journal of Sociology*, 375-404.

Erzagakis, K., Metaxiotis, K., and Psarras, J. (2004). "Towards Knowledge Cities: Conceptual Analysis

- and Success Stories". *Journal of Knowledge Management*, (8)5, 5-15.
- Florida, R. (2004). "The Rise of the Creative class and How Its Transforming Work". *Leisure, Community and Everyday Life* (Paperback). Basic Books.
- Fukuyama, F. (2000). "Social Capital and Civil Society". IMF conferences on second Generation Reforms. www.IMF.com/base/prepared_for_delivery_at_IMF/social_capital_and_civil_society.htm
- Gonzalez, M., Alvarado, J., and Martinez, S. (2005). "A Compilation of Resources on Knowledge Cities and Knowledge-Based Development". *Journal of Knowledge Management*, (8)5, 107-102.
- Lever, W. (2002). "Correlating the knowledge-based of cities and economic growth". *urban studies*, (39)5, 859-870.
- Putnam, R. (2000). *Bowling alone: The collapse and revival of American community*. New York: Simon and Schuster.
- Putnam, R. (1995). "Bowling Alone: America Declining Social Capital". *Journal of Democracy*, 65-78.
- Vanolo, A. (2008). "The Image of the Creative City: Some Reflections on Urban Branding in Turin". *Journal of Urban Management*, (25)6, 370-382.
- Yigitcanlar, T. (2009). "Sustainable Urban and Regional Infrastructure Development: Technologies, Application and Management". *Hershey, PA: Information Science Reference*.
- Yigitcanlar, T., Conner, K., and Westerman, C. (2008). "The Making of Knowledge Cities: Melbourne Knowledge-Based Urban Development Experience". *Journal of Urban Management*, (25)6, 63-72.
- Yigitcanlar, T., Velibeyoglu, K., and Baum, S. (2007). *Knowledge-Based urban development: Planning and application in the information era*. Hershey, PA: IGI Global. in Press.